

تحلیلی درباره

روزه

و

بعض مسائل فقهی آن



حجة الاسلام والمسلمین

مدبری

بسم الله الرحمن الرحيم

چون ماه مبارک رمضان نزدیک میشود، و بنا بر احتیاط روزه‌هایی را که از ماه رمضان قسلاً فوت شده، قبل از رسیدن ماه رمضان باید قضا کرد. و لذا مناسب دیدم مباحثی را جمع به روزه بطور اختصار، و اشاره اجمالی به بعض مدارک و ادله آن بنمایم، و بهترین راه اینستکه به شیواترین و ارزنده‌ترین سخن یعنی کلام الله مجید استناد شود، چرا که آنچه خیر و سعادت بشر است در آن موجود، و قرآن اصل تمام ادله فقه است. در ضمن بحث، بعضی از مسائل روزه بیان خواهد شد.

" يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ . أَيُّهَا مَعذُودَاتِ فَمِنَ كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ، وَ عَلَى الَّذِينَ يُطْبِقُونَهُ فَدِيَةٌ طَعَامٍ مَّسْكِينٍ ، فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ . وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ .

شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن،

هدى للناس و بينات من الهدى و الفرقان ، فمن شهد منكم الشهر فليصمه ، و من كان مريضا أو على سفر فعدة من أيام أخر ، يريد الله بكم اليسر و لا يريدكم العسر ، و لتكملوا العدة و لتكبروا لله على ما هداكم و لتعلموا تشكرون "

(آیات ۱۸۳ - ۱۸۵ سوره بقره)

ای کسانی که ایمان آوردید، روزه بر شما نوشته و واجب شد، چنانچه بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد، شاید تقوی را بکار آورید، روزهای معدودی است، پس کسی که از شما مریض یا در سفر باشد عده‌ای از روزهای دیگر را روزه بگیرد، و بر کسانی که روزه بر آنها طاقب فرما باید قید و اجابت است که باید اطعام مسکین کند، پس کسی که زیادتر انفاق بکند برای او بهتر است. و اگر روزه بگیرد برای شما بهتر است. ماه رمضان است که در آن قرآن برای هدایت مردم نازل شده است. پس کسی که حاضر شد از شما در ماه رمضان، باید روزه بگیرد آن را و کسی که از شما مریض یا در سفر باشد، عده‌ای از روزهای دیگر را روزه بگیرد، خداوند برای شما آسانی را میخواهد و سختی را نمیخواهد، و برای اینکه

ماه را اكمال کنید و خدا را به بزرگی یاد کنید بر آنچه شما را هدایت کرده، و شاید اورا شکر نمائید.

در این آیات، جهاتی قابل توجه است که به دو جهت آن اشاره می‌کنیم:

اول: خطاب در آن به مؤمنین است با اینکه تکلیف روزه بلکه همه تکالیف منوجه به مؤمنین و غیر مؤمنین است. و همانطور که ثابت شده کفار مکلف به فروع هستند چنانکه مکلف به اصولند.

و شاید نکته توجیه تکلیف به مؤمنین در این آیه، از این جهت باشد که چون غیر مؤمنین از تکالیف الهیه بهره نمبرند، و فقط مؤمنین هستند که از آن استفاده می‌کنند، لذا خطاب به آنها منوجه شده، چنانکه راجع به هدایت قرآن در آیه مبارکه است که:

" ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارْتَبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ "

این کتاب شکی در آن نیست، هدایت برای متقین است. با اینکه قرآن برای همه آمده و اختصاص به متقین یا غیر آنها ندارد، لکن چون تنها متقین هستند که بهره مند میشوند چنین تعبیر فرموده است.

دوم: تکالیف شرعیه دارای مصالح و منافع است که عاید خود شخص میشود.

جمل آنها برای سعادت و کمال آنهاست و اگر زحمتی در انجام آنها باشد، در مقابل فوایدی که بر آن مترتب میشود ناچیز است، حتی در تکلیفی که در مورد ضرر یا حرج و مشقت جعل شده اند، مثل زکاة، خمس، جهاد و حج مصالح بسیار مهمی در نظر گرفته شده، مثل از بین بردن فقر در اجتماع، و حفظ اسلام و حفظ حدود و ثغور بلاد اسلامی، و ایجاد و حفظ وحدت مسلمین و صفوی آنها که هر گونه تحمل ضرر و حرجی در برابر آن آسان است.

ولی روزه آنطور زحمتی که بتوان گفت جعل آن در مورد حرج یا ضرر است وجود ندارد، و اگر زحمتی هم در آن باشد بسیار مختصر است، و فوایدی که بر آن مترتب میشود زیاد است که در آیه مبارکه هم اشاره به بعضی آن فواید می فرماید، و فقط یک فایده کلی است و آن ساخته شدن انسان و به کمال رسیدن او است که همان حالت توجه به خدا و در مقام اطاعت او بودن، و بی توجهی به دنیا، و قدرت بر اساک از مادیات است، و خلاصه اساس ریشه تمام حرکت های اسلامی است که امروز بحمدالله در امت اسلام و در ایران اسلامی دیده میشود.

درست بیاد دارم اولین روزی که رهبر عظیم الشان امام است روحی له الفداء در نجف اشرف بر منبر درس قرائت گرفتند، اولین جمله ای که بعد از نام خدا فرمودند، این بود: "خدا یا ما را به خودت متوجه فرما" "و ما را از غیر خودت متصرف بگردان" و این مطلب از ویژگی های خود آن حضرت بود، و با همین ویژگی امت اسلام را رهبری فرمود تا آنها بر شیاطین پیروز شدند، و امروز امتی متوجه به خدا و منصرف از غیر خدا، و قائم به انجام وظائف تا پای شهادت تربیت شده اند.

و در روزه این فایده حاصل میشود که شخصی

روزه دار آمادگی و قدرت نفسی پیدا می کند برای پذیرش حق و مقاومت در برابر باطل، و اگر بجز همین یک فایده نبود، و زحمت روزه هم به مراتب بیش از این بود که دارد، ارزش داشت که انسان این تکلیف الهی را انجام دهد، و اطاعت پروردگارش بنماید، ولی با این ارزش زیاد و زحمت کم، خداوند عالم در آیه شریفه طوری بیان تکلیف می کند که گویا مؤمنین را برای زحمت آن تسلیت میگوید و دلداری می دهد، و اگر این تعبیر صحیح باشد گویا از مؤمنین برای تکلیف عسدر می خواهد. و این مطلب از چند جای آیه استفاده میشود:

۱- بعد از اینکه می فرماید: **كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ** به همین اکتفا نمی کند، با اینکه اکتفا به آن ممکن بود و هیچ محدودی نداشت. در عین حال می فرماید: این تکلیف مخصوص شما نیست و قبل از شما هم بوده (**كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ**).

۲- علت تکلیف را ذکر می فرماید که این تکلیف برای شما فائده دارد و آن تقوی است (**لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ**).

در روزه این فایده حاصل میشود که
شخص روزه دار آمادگی و قدرت نفسی پیدا میکند برای پذیرش حق و مقاومت در برابر باطل

۳- روزهائی که واجب است روزه گرفتن در آنها رابه کمی و اندکی یاد می کند که چند روزی بیش نیست (**أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ**).

۴- اشخاصی را که از گرفتن روزه در زحمت می افتند، استثناً میکند مانند مریض و مسافر و کسانی که روزه بر آنها طاقت فرسا است، و جالب اینست که مریض و مسافر را در دو جای همین آیات ذکر و استثناً می کند، که خود می تواند دلیل مستغنی باشد که خداوند نخواسته کسی به مشقت و زحمت بیفتد (**فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ، وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ**)، (**وَمَن كَانَ مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ**).

۵- تعبیری در ذیل آیه فرموده که خداوند برای شما آسانی خواسته نه مشقت (**يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ**).

بعضی از بزرگان می فرمودند: خداوند یک تکلیف فرموده با اینکه حرج او است، گذشته از اینکه تمام تکالیف به نفع و صلاح خود انسان است، و در این تکلیف پنج عذر خواسته.

نقی آن کسی است که عصیان خدا کند و در تکلیف الهی نافرمانی نماید و عذرخواهی و توبه از گناهان خود نکند.

در این آیات شریفه مسائل فقهی متعددی بیان شده است:

۱- اصل وجوب روزه ماه رمضان (**كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ**) به صمیمه (شهر رمضان) که در آیه بعد آمده است. گذشته از اینکه این مطلب از ضروریات دین است و منکر آن حکم منکر ضروری را دارد.

۲- سقوط روزه از مریض و مسافر و لسروم قضا بر آنها که در دو آیه تکرار شده، و تکرار در دو آیه مبارکه کاشف اهمیت دادن به سقوط روزه از مریض و مسافر است. چنانکه از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

" **سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَوْلًا مَّأْمُومًا** " " **حِينَ أَظْفَرُ وَقَصَّرَ حُمَاتِي، وَقَالَ:** "

" هُمُ الْغَنَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ "

حضرت رسول کسانی را که در وقتی که باید افطار کنند روزه گرفتند ، گناهکار نامید و فرمود : این اشخاص تا روز قیامت عاصی و گناهکارند . ولی در مقابل بعضی از عامه ، روزه را در سفر و مرض جایز میدانند چنانکه از حضرت سجاد علیه السلام روایت شده که :

" وَأَمَّا صَوْمُ السَّفَرِ وَالْمَرَضِ فَإِنَّ الْعَامَّةَ قَدْ اِخْتَلَفَتْ فِي ذَلِكَ ، فَقَالَ قَوْمٌ بِصَوْمِهِمْ " وَقَالَ آخَرُونَ لَا يَصُومُونَ ، وَقَالَ قَوْمٌ " إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ . وَأَمَّا " نَحْنُ فَنَقُولُ : يَفْطَرُ فِي الْحَالَيْنِ "

حضرت فرمود : عامه در روزه مسافر و مریض اختلاف کرده اند . بعضی گفتند روزه بگیرد و برخی گفتند روزه نگیرد و بعضی هم گفتند مخیر است میخواهد روزه بگیرد و میخواهد افطار کند . و اما ما می گوئیم باید مسافر و مریض روزه را افطار کند .

۳ - سقوط روزه از کسانی که طاقت ندارند که تفسیر به پیر مرد و پیر زن و کسی که مرض عطش دارد و زن باردار و زن شیرده شده است و ثبوت فدیة بر این اشخاص که از جهت مشقت ، روزه را افطار کرده اند و بیان اینکه فدیة برایشان طعام مسکین است که در روایات مقدار آن یک مد برای هر روز (تقریباً سه سیر) بیان شده که باید گندم یا جو و مثل آن به فقیر داده شود .

(وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَ فِدْيَةَ طَعَامٍ مَسْكِينٍ)

در صحیحہ محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام وارد شده است :

" فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : وَ عَلَى الَّذِينَ " يُطِيقُونَ فِدْيَةَ طَعَامٍ مَسْكِينٍ قَالَ : " الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي يَأْخُذُهُ " الْغَطَّاشُ " (۱)

در باره آیه شریفه حضرت فرمود : مراد از آیه پیر ناتوان و کسی که مرض عطش (تشنگی) دارد ، میباشد .

و در صحیحہ دیگر محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام است که :

" الْحَامِلُ الْمُقْرَبُ وَالْمَرْضِعُ الْقَلْبَلَةُ " الْمَلِكُ لِأَحْرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ تَفْطِرَ فِي " شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّهَا لَأَطْفِقَانَ الصَّوْمَ " وَ عَلَيْهِمَا أَنْ تَتَصَدَّقَ كُلُّ وَاحِدٍ " مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ تَفْطَرُ فِيهِ بِمَدٍّ " مِنْ طَعَامٍ ، وَ عَلَيْهِمَا قَضَاءُ كُلِّ يَوْمٍ " أَفْطَرْتَا فِيهِ تَقْضِيَانَهُ بَعْدَ " (۲)

تکالیف شرعی
دارای مصالح
و منافی است که
عائد خود شخص
میشود و برای
سعادت و کمال
انسان است

حضرت فرمودند : زنی که وضع حملش نزدیک است و زنی که بچه شیر میدهد و شیر او کم است ، میتوانند روزه ماه رمضان را افطار کنند چون طاقت روزه ندارند ، و بر آنها است که برای هر روز که افطار می کنند یک مد طعام را صدقه بدهند و بعد آن را قضا نمایند . و از این دو صحیحہ هم حکم مذکور در آیه شریفه استفاده میشود .

۴ - لزوم تکبیر بعد از ماه رمضان که تفسیر به نماز عید و تکبیرهای آن شده است :

" وَ لِيَتَكَمَّلُوا الْعِدَّةَ وَيَتَكَبَّرُوا لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَاكُمْ " مرحوم صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که :

" إِنَّمَا جُعِلَ التَّكْبِيرُ فِيهَا يَعْنِي فِي صَلَاةِ " الْعِيدِ أَكْثَرُ مِنْهُ فِي غَيْرِهَا مِنَ الصَّلَوَاتِ "

" لِأَنَّ التَّكْبِيرَ إِنَّمَا هُوَ تَعْظِيمٌ لِلدَّيْنِ " تَمْجِيدٌ عَلَى مَا هَدَى وَعَافَى كَمَا " قَالَ عَزَّ وَ عَلَا : وَ لِيَتَكَبَّرُوا لِلَّهِ عَلَى " مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ " (۳)

حضرت فرمودند : تکبیر در نماز عید زیادتر از غیر آن قرار داده شده چون تکبیر ، تعظیم و تمجید خدا است بر هدایت و عافیت چنانکه در آیه شریفه فرموده .

و این روایت دلیل است بر اینکه مراد از تکبیر در آیه کریم تکبیرات نماز عید است

و نظر به اینکه در این ایام ، وقت قضای روزه های فوت شده از رمضان سال قبل تنگ میشود ، خوانندگان محترم را به این سؤال توجه میسازم که " احوط تا خیر نینداختن قضا ، روزه ماه رمضان گذشته است از ماه رمضان بعد " و بعضی فقها ، آن را از مسلمات شمرده اند بلکه بعضی ادعا کرده اند که خلافی در سؤال نیست ، اگر چه دلیل صریحی در آن نداریم ، مگر دو روایت ذکر فرموده اند که از آنها استفاده میشود : اگر مریضین دو رمضان مرضی خوب شود باید روزه را قضا کند که یکی از آن دو روایت از ابی بصیر است :

" وَأَنَّ صَحَّ بَيْنَ الرَّمَضَانَيْنِ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ " " أَنْ يَقْضِيَ الصِّيَامَ " (۴)

ولی از این دو روایت استفاده نمیشود که تا خیر تا رمضان بعد جایز نیست ، بلکه فقط استفاد از آنها این است که مرض مستمر تا رمضان بعد موجب سقوط قضا ، است ، و اگر مستمر نشد و بین دو رمضان خوب شد قضا ساقط نیست . و ساقط نشدن قضا دلیل نیست بر اینکه قضا را باید در همین سال انجام داد چنانکه مرحوم سید یزدی قدس سره در عرووف الوثقی ذکر نموده اند و مورد قبول حضرت امام روحی له الفداء هم در حاشیه عروه واقع شده است ، و در تحریر الوسیله هم بیان فرموده اند و عبارت عروه این است :

" الْأَحْوَطُ عَدَمُ تَأْخِيرِ الْقَضَاءِ إِلَى " " رَمَضَانَ آخَرَ مَعَ التَّمَكُّنِ عَدَمًا ، وَ "

سوم شعبان میلاد سرور شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام و روز پاسدار را گرامی می داریم .

از نظر اسلام و در فرهنگ مسلمانان که با طرز تفکر اسلامی فکر می کنند، کلمه شهید یک کلمه بسیار نورانی و مقدسی است که دیگر مفاهیم عالی اسلامی و انسانی را با آن می سنجند.

سرور شهیدان امام حسین (ع)، در راه کربلا اشعاری را می خواند که مضمون آن چنین است:

«اگرچه دنیا زیبا و دوست داشتنی است و آدم را به طرف خودش می کشد، اما جهان پادش الهی، از دنیا خیلی زیباتر است.

و اگر مال دنیا را آخر کار باید گذاشت و رفت، پس چرا در راه خدا انفاق نشود؟ و اگر بدنهای ما ساخته شده که آخر کار بمیرد، پس چرا در راه خدا، باشمشیرها قطعه قطعه نشود؟»

منطق شهید منطقی است آمیخته با منطق عشق، انهم منطق عشق الهی از یکطرف، و منطق «اصلاح» و «مصلح» از طرف دیگر. منطق شهید را با منطق افراد معمولی نمیتوان مقایسه کرد و با اصطلاح نمیشود منطق شهید را کوچک کرد و در منطق افراد عادی گنجانند.

اگر بگوییم: قهرمان، مافوق قهرمان است. اگر بگوییم مصلح، مافوق مصلح است. هر چه بگوییم: مافوق آنست، هیچ کلمه ای جای این کلمه را هرگز نمیگیرد.

تربت شهید: تو خدا را عبادت میکنی، ولی سربه روی خاکی بگذار که تماس کوچکی با خون شهید داشته باشد، تا اجر و ثواب تو صد برابر شود. یعنی ارزش شهید را درک کن، که خاک تربت او به نماز تو ارزش میدهد. بویژه شهیدانی همچون شهیدان کربلا، شهیدان راه آزادی و حقیقت. استاد شهید آیت الله مطهری

پیش از آنکه ماه رمضان دیگر برسد ، ماه رمضان را که درک کرده روزه بگیرد ، و اگر بیوسته مریض بوده تا رمضان دیگر رسیده ، ماه رمضان دیگر را روزه بگیرد و از رمضان قبل که فوت شده (و روزه نگرفته) برای هر روز یک مد طعام به مسکین بدهد و در این صورت قضا ندارد .

۲- روایت فضل بن شاذان که علاوه بر حکم مذکور یعنی جمع بین قضا و فدیة ، علت حکم هم در آن ذکر شده است :

”كُنْ أَتَقَى قِيَمًا بَيْنَهُمَا وَلَمْ يَصُمْ وَجَبَ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ لِتَحْتِيبِهِ وَالصَّوْمُ لِإِسْتِظَاعَتِهِ“ (۶)

یعنی اگر بین دو رمضان بهبودی حاصل کرد ، و روزه فوت شده را نگرفت باید فدیة بدهد چون روزه را ظایع کرده ، و سپس روزه را هم بگیرد چون امکان روزه گرفتن را پیدا کرده است .

و مورد هر دو روایت هر چند مرض است لکن حکم در مورد مرض از صراحت آنها و در غیر آن مورد از دو علنی که در روایت دوم است استفاده میشود ، پس در هر مورد که روزه افطار شده و قدرت برگرفتن قضا آن در بین سال و تا خیر آن تا رمضان بعد صدق کند ، هر دو حکم ، فدیة که صدقه دادن به یک مد طعام است و قضا روزهها ثابت میشود ، و در خصوص قضا علاوه بر روایات ، اطلاعات آدلّه قضا که از جمله آنها آیه شریفه است دلالت بر وجوب میکند ، و الحمد لله رب العالمین



(۱) وسائل ج ۷ ص ۱۵۰ حدیث ۳

(۲) وسائل ج ۷ ص ۱۵۳ حدیث ۱

(۳) وسائل ج ۵ ص ۱۰۵ حدیث ۱

(۴) وسائل ج ۷ ص ۲۴۶ حدیث ۶

(۵) وسائل ج ۷ ص ۲۴۴ حدیث ۱

(۶) وسائل ج ۷ ص ۲۴۶ حدیث ۸

”إِنْ كَانَ لِأَدْبَلٍ عَلَى حُرْمَتِهِ“

یعنی احوط اینستکه قضا را تا رمضان بعد با تمکن عمدا تاخیر نیندازد ، اگر چه دلیلی بر حرام بودن آن نیست .

و گر چه اصل مسأله عدم جواز تاخیر قضا تا رمضان بعد مبتنی بر احتیاط است ، ولی معروف و مشهور بین علما اینست که اگر بدون عذر قضا روزه را تاخیر بیندازد تا رمضان بعد ، واجب است علاوه بر انجام قضا روزهها برای هر روز یک مد طعام (ده سیر گندم یا مثل آن) به فقیر بدهد . و از جمله ادله این مسأله این روایت است :

۱- صحیح ابن مسلم از حضرت باقر و حضرت صادق (ع) :

”سَأَلْتُهُمَا عَنْ رَجُلٍ مَرَضَ فَلَمْ يَحُمْ حَتَّى أَدْرَكَهُ رَمَضَانٌ آخِرٌ فَقَالَ : إِنْ كَانَ بَرِيءٌ ثُمَّ تَوَانَى قَبْلَ أَنْ يُدْرَكَهُ الرَّمَضَانُ الْآخِرُ ، صَامَ الَّذِي أُدْرِكَهُ وَتَمَدَّقَ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمَدٍّ مِنْ طَعَامٍ عَلَى مِسْكِينٍ وَعَلَيْهِ قَضَاؤُهُ . وَإِنْ كَانَ لَمْ يَزَلْ مَرِيضًا حَتَّى أَدْرَكَهُ رَمَضَانٌ آخِرٌ صَامَ الَّذِي أُدْرِكَهُ وَتَمَدَّقَ عَنِ الْأَوَّلِ لِكُلِّ يَوْمٍ مَدٍّ عَلَى مِسْكِينٍ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ“ (۵)

احوط این است که قضا را تا رمضان بعد با تمکن عمدا تاخیر نیندازند .

ابن مسلم گفت : از امام باقر و امام صادق علیهما السلام سؤال کردم از مردی که مریض شد و روزه نگرفت تا ماه رمضان دیگر رسید . حضرت فرمود : اگر خوب شده و سستی کرده